

انعکاس فرهنگ فارسی در کار جہاں دراز ہے

پایان نامہ

برای

دریافت پیش دکتری زبان و ادبیات فارسی

نگارش

محمد طارق رسول

تحت رہنمائی

دکتر سید اختر حسین



مرکز مطالعات زبان فارسی و آسیای مرکزی

دانشکده مطالعات زبان و ادبیات و فرهنگ

دانشگاه جواہر لعل نہرو

دہلی نو۔ ۱۱۰۰۶۷

۲۰۱۱

Jawaharlal Nehru University

New Delhi-110067



Centre for Persian & Central Asian Studies

School of Language, Literature & Culture Studies

25th July, 2011

DECLARATION

I declare that the dissertation entitled “**Depiction of Persian Culture in Kar-e-Jahan Daraz Hai**” submitted by me for the award of the degree of MASTER OF PHILOSOPHY of Jawaharlal Nehru University is my own work. The dissertation has not been submitted for any other degree of this University or any other University/Institution.


MD. TARIQUE RASOOL

(Research Scholar)

CERTIFICATE

We recommend that this dissertation be placed before the examiners for evaluation.


Prof. M. S. Niazmand

Chairperson

CP&CAS/SLL&CS/JNU

Chairperson



Centre of Persian & Central Asian Studies
SLL & CS

Jawaharlal Nehru University
New Delhi-110067


Dr. Syed Akhtar Husain

Supervisor

CP&CAS/SLL&CS/JNU

Associate Professor
Centre For Persian &
Central Asian Studies
SLL&CS

Jawaharlal Nehru University
New Delhi-110067

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم
بہ
پدر و مادر

فہرست

پیشگفتار 1

فصل اول:

قرۃ العین حیدر بحیثیت نویسندہ شرح حال خود ۴

فصل دوم:

انعکاس فرهنگ فارسی در "کار جہاں دراز ہے" ۲۸

فصل سوم:

مطالعہ انتقادی "کار جہاں دراز ہے" ۴۸

نتیجہ گیری ۶۰

منابع و مآخذ ۶۳

پیشگفتار

"کار جهان دراز ہے" یکی از شاهکارهای قرۃ العین حیدر است که موضوعات و اطلاعات آن مربوط به هند و ایران است. این کتاب شرح حال نویسندگان و خانواده او بصورت رمان می باشد. این یک نوع ادبی در ادبیات اردو است که آن نوع ادبی قبل از وی در ادبیات اردو نبوده است. در این اثر مخزن اطلاعات وجود دارد. کینوس یا چهار چوب این رمان خیلی وسیع است. قرۃ العین حیدر به بخارا، سمرقند، خراسان و افغانستان و ایران مسافرت کرد، مواد زیاد این کتاب این مسافرتها تشکیل می دهد. آنچه او در ضمن اسفار را دیده یا تجزیه کرده، در این صحیفه آورده است که خیلی سفرنامه جالب و قشنگ می باشد.

قرۃ العین حیدر در این کتاب تاریخ و فرهنگ فارسی زبانان را در حیطة بیان آورده است. او در این کتاب درباره تاریخ ادبیات فارسی مانند دوره صفاری، دوره سامانی، دوره غزنوی، دوره سلجوقی و دوره صفوی مطالب زیاد را مطرح کرده است. به همین دلیل بنده بحیث دانشجوی زبان فارسی به این کتاب دلبستگی و علاقه پیدا کردم و موضوع پیش دکتری را به عنوان "انعکاس فرهنگ فارسی در "کار جهان دراز ہے"، انتخاب کردم.

این مقاله تحقیقی پیش دکتری مشتمل بر سه بخش است که بدین قرار می باشد.

(1) بخش اول: "قره العین حیدر بحیثیت نویسنده شرح حال خود" در این بخش درباره احوال و آثار قره العین حیدر صحبت شده است.

(2) بخش دوم: "انعکاس فرهنگ فارسی در "کار جهان دراز" در این بخش درباره فرهنگ فارسی بررسی شده است.

(3) بخش سوم: مطالعه انتقادی "کار جهان دراز" در این بخش بررسی "کار جهان دراز" بصورت انتقادی شکل گرفته است. ویژگیهای کتاب مشروحاً بیان گردیده است.

از خداوند متعال بی اندازه سپاسگزارم که تمام ستایش به وی است و بدون استعانت و عنایت وی ممکن نبود که این رساله مذکور را به این شکل عرضه دهم. اینجانب لازم میدانم که از تمام استادان از دوره مقدماتی تا به حال صمیمانه سپاسگذاری خود را تقدیم نمایم که ایشان بودند که حرفها بر زبانم گذاشته و مرا گفتن آموختند. از استاد محترم جناب آقای دکتر سید اختر حسین، دانشیار مرکز مطالعات زبان فارسی و آسیای میانه است، سپاسگذاری نمایم که

برای تکمیل این رساله پیش دکتری تشویق و راهنمایی‌شان شامل حال من بوده است.

اینجانب مدیون اهل خانواده خویش هستم که در تشکیل فکری بنده نقش اساسی داشتند و بدون محبت و عنایت‌شان ممکن نبود که رساله مذکور را بپایه تکمیل برسانم. از والدین خود با عمق قلب ممنون و مشکور هستم که دعاهای‌شان همیشه شامل حال بنده بود.

از تمام استادان مرکز مطالعات زبان و ادبیات فارسی و آسیائی میانه، دانشگاه جواهر لعل نهرو، امتنان را دادم که در تحویل و ارزیابی این رساله کمک کرده اند. از دوستان صمیمی خود آقای خالد محمد زبیر، خالد احمد، خانم ثنا خان، غلام معین الدین، محمد مشکور عالم، محمد معتصم، احمد حسین بربهونیا و تاج الدین انصاری سپاس بی نهایت خود را تقدیم بنمایم که نوعی در تکمیل این رساله سهمی داشتند.

محمد طارق رسول

دانشگاه جواهر لعل نهرو

دهلی نو - 67

فصل اول

قرة العين حيدر بحیثیت نویسندہ شرح

حال خود

از لحاظ صنف ادبی شرح حال خود نگاری یکی از مقبول ترین اصناف ادبی بحساب می آید. صنف شرح حال خود نگاری از دیگر اصناف نثر ادبی فارسی جداگانه است زیرا که در این صنف نویسنده درباره خود می نویسد و کردار مرکزی کتاب خود او است. به همین علت این صنف سخن در ادبیات مقام بلندی دارد. نویسنده اطلاعات راجع به زندگی خود بطور مستقیم و رک و راست به تمام جهان عرضه می نماید و بر این اطلاعات براحتی می شود استناد کرد.

تعریف جامع شرح حال خود نگاری تا اکنون وضع نشده است. ادباء و فضلا "شرح حال خود نگاری را از لحاظ خود شان توضیح داده اند".

در سلسله تعارف اتوبیوگرافی (Autobiography) "اینی بیسنت" در سرگذشت خود نوشته است:

"ایک زندگی کی کہانی لکھنی مشکل ہے اور یہ کہانی جب کسی کی اپنی ہو تو بہت مشکل ہے." 1

ترجمہ: نوشتن زندگی نامہ بصورت قصہ کار مشکل است. اگر این نوشتن قصہ درباره خود باشد، کار بسیار مشکل تر است.

از ذکر بالا ظاہر می شود کہ برای نوشتن قصہ زندگی خود نویسنده باید عزم داشتہ باشد. ہر کس جرات ندارد کہ او ہمہ چیزها راجع بہ زندگی خود را پیش خوانندگان، من و عن مطرح کند.

از لحاظ شکل اتوبیوگرافی فورم های مختلف دارد. یوسف جمال در مقالہ خود بنام "آپ بیٹی اور اس کے مختلف صورتیں" نظریہ خود را اینطور ابراز داشتہ است:

"عام طور پر آپ بیٹی اپنے حالات کو نثر میں لکھنا ہے یعنی بنیادی شرائط دو ہیں اول یہ کہ مصنف اپنے حالات خود لکھے. دوسرے یہ کہ وہ حالات نثر میں ہوں"²

ترجمہ: دو چیز برای اتوبیوگرافی لازم است یکی بیان آن در نثر باشد دو نویسنده زندگی نامہ خود را خود بنویسد.

از این توصیف دو نکتہ بر می آید. اول این کہ اتوبیوگرافی باید نویسنده بہ دست خود بہ نویسندہ دوم این کہ اتوبیوگرافی در قالب نثر نوشتہ بشود. ولی این مناسب نیست زیرا کہ این مبنی بر استعداد خود نویسنده است کہ کدام وسیلہ نظم یا نثر را دوست دارد برای نوشتن شرح حال خود انتخاب کند.

عقیدہ وہاج الدین علوی راجع بہ نوشتن شرح حال خود این است:

" خود نوشت کا مصنف ہیئت کا پابند نہیں ہوتا. اسے ہیئت کے انتخاب کا اختیار ہے. اردو میں خود نوشت

سوانح نظم کی بیٹت میں بھی پائی جاتی ہے۔ مثلاً واجد علی شاہ کی "حزن اختر"، منیر شکوہ آبادی "منظوم داستان حیات" اور خود نوشت کے ارتقائی دور میں سوانحی مثنویوں کا پایا جانا اس بات کا ثبوت ہے کہ خود نوشت نثری بیٹت کی پابند نہیں۔³

ترجمہ: از لحاظ شکل و قالب مصنف اتوبیوگرافی آزاد است. اختیار شکل و قالب در دست مصنف است. اتوبیوگرافی در زبان اردو بصورت نظم ہم دیدہ می شود. اتوبیوگرافی "حزن اختر" واجد علی شاہ، "منظوم داستان حیات"، منیر شکوہ آبادی وغیرہ مثال آن است. در دورہ آغاز نیز اتوبیوگرافی بہ شکل مثنوی یافتہ می شود. این دلیل است کہ اتوبیوگرافی بہ شکل یعنی نثر محدود نیست.

از این توصیفهای معلوم می شود کہ اتوبیوگرافی آزاد است و می تواند اتوبیوگرافی را بہ نظم یا نثر بنویسد. در اتوبیوگرافی نگارندہ خود عکس و آئینہ است و گاهی اوقات خود موضوع تنقید و گاهی ناقد بہ نظر می آید. نگارندہ خود دو جنبہ خارجی و داخلی زندگی خود را مطرح می سازد و چیزی کہ مبہم و پوشیدہ در زندگی می باشد، بہ صورت صاف و روشن تصویر می کشد و کسی دیگر نمی تواند آنجا دخالت داشتہ باشد. بہ همین سبب "شرح حال خود" در ادبیات مقام اعلی دارد و یک صنف آزاد و جداگانہ قرار می گیرد.

قرۃ العین حیدر سفرنامہ نویس، رمان نویس، عضو فرهنگستان روز نامہ نگار نہ فقط در ہند بلکہ در سراسر جہان شناختہ شدہ است۔ اسم مستعار او "عینی آپا" بودہ کہ درمیان دوستان و دبستان وی بہ ہمین اسم شہرت یافتہ است۔ قرۃ العین حیدر در روز بیستم ژانویہ سال ۱۹۲۶م در شہر علیگر در ایالت اترپردیش چشم بہ جہان گشود و دربارہ تاریخ ولادت وی درمیان مورخین ہند اختلاف وجود دارد۔ مورخین مبنی بر چند واقعات و شواہد، تاریخ تولدش ۱۹۲۷ء قرار دادہ اند۔ قرۃ العین حیدر در کتاب "کار جہان دراز بے" نوشتہ است:

"ابا جان نے اسکول کے فارم پر ۲۰ جنوری ۱۹۲۷ء لکھ دیا۔

حساب ہمیشہ سے کمزور تھا ۱۲ سال اب بھی نہ بنے"⁴

ترجمہ: پدر محترم در فورم دبستانی تاریخ تولدم ۲۰

ژانویہ ۱۹۲۷ نوشتہ بود۔ این تاریخ درست نبود زیرا کہ

آن وقت عمرم شانزدہ سال نرسیدہ بود۔

این تاریخ تولد را بیشتر مردمان تسلیم می کنند زیرا کہ عینی در

مقالہ خود نوشتہ است:

"تقسیم ہند کے صدمے نے ۱۹۴۷ء کے آخر میں ساڑھے

انیس سال کی عمر میں مجھ سے "میرے بھی صنم خانے"

لکھوائی جو میرا پہلا ناول تھا۔"⁵

ترجمه: در نوزده و نیم سالگی من یک رمان بنام "میرے بھی صنم خانے" نوشته ام. این رمان اولین رمان من است که مربوط به واقعه های وقت تجزیه هند بعد از ۱۹۴۷ م است.

از این معلوم می شود که تاریخ تولد قرۃ العین حیدر ۲۰ ژانویه ۱۹۲۷ م است نه ۲۰ ژانویه ۱۹۲۶ م است زیرا که آن مقاله را سن ۱۹۶۳ م یعنی ۳۶ سالگی نوشته بود. آن وقت او با شعور و هوشمند بوده است.

پدر قرۃ العین حیدر سجاد حیدر یلدرم که از بچگی حامی روشن فکران بوده است. او علاوه بر زبان اردو، فارسی، انگلیسی به زبان ترکی و عربی هم مهارت کامل داشت. او مقاله های سودمند نوشته است و هم مقالات دیگر زبان ها را ترجمه کرده است. معاصر او محمد علی جوهر، شوکت علی، رضاعلی، مشتاق احمد زاهدی و غلام ثقلین بودند. او نه فقط در جنبه های علمی چهره ماندگار است بلکه در سیاست هم نقش مهمی داشته است.

مادر قرۃ العین حیدر نذر سجاد حیدر که یکی از معروفترین ادباء عصر خویش به شمار می رود. نام اصلی وی نذر زهره بیگم بود. وی از خرد سالگی علاقه به خواندن و نوشتن بود. وی بیشتر داستان ها برای اطفال نوشته است و در میان زنان تخیلی کار شهرت پیدا کرده است. نذر سجاد حیدر یلدرم دو تا رمان تصنیف کرد. نخستین رمان بنام "اخترالنسا

بیگم" در سال ۱۹۱۰م منتشر شد و دومین رمان بنام "آه مظلومان" می باشد. وی در نهضت‌های آزادی زنان و تعلیم بانوان شرکت داشته است. وی علیه رسومات کهنه بود. وی از لحاظ فعال سیاسی و اجتماعی نقشی در جامعه داشته است.

کودکی و محیط

محیط زندگی کودکی قره العین حیدر خیلی پر رونق بود زیرا که پدرش کارمند دولت بوده، از جای به جای دیگر مسافرت می کرد. بعد از دو و سه سال تولد عینی پدر وی پورت بلیر منتقل شد و چند سال آنجا بود و به هند بازگشت، در شهرهای مشرقی ایالت یوپی بالخصوص جای دامن کوه زندگی کودکی خود را بسر برد. وی مسافرت هم بسیار کرد. عینی از ابتدائی تا آخر عمر خود فرهنگهای مختلف جهان را دیده است بعداً در تصنیفات خود این تصاویر را نشان داده است.

قره العین حیدر در محیط خیلی محبتانه بزرگ شده بود. او در زندگی خود مصائب را ندیده بود. سرپرستان وی همیشه لطف به وی داشته بودند تا عینی زندگی خود را با آرامش بگذارد. این محیط بعداً در نوشته‌های وی منعکس شده است. محیط خانواده عینی افکار مشترک دینی و اندیشه‌های جدید داشته است. درس این خانه یکطرف نظام جاگیردارانه بود و طرف دیگر روشن فکری غربی بود. او آموزش دینی و مدرسه مسیحی هر دو را همراه دیده است. منزل پدری وی پرورشگاه افکار شرقی و غربی بوده است. گاهی محفل میلاد یکطرف،

مہمانی غربی طرف دیگر در منزلش برگذار می شد. بطور خلاصہ میتون گفت خانہ عینی مجمع البحرین یعنی ہم خیالات روشن فکران و ہم خیالات اسلامی بودہ است. در این محیط فکر و اندیشہ عینی بروز می کرد.

قرۃ العین حیدر وقتی کہ در وقت شعور می رسد او می بیند کہ فرہنگ ہند زود تغییر می شد، جامعہ سنتی مبدل بہ جدید می شود، نظام جاگیردارانہ آہستہ آہستہ شکستہ می شود. فرہنگ و تمدن غربی در جامعہ ہند بسیار تاثیر پذیر می شد. این ہمہ تغییرات و تبدیلات عینی را تحت تاثیر قرار می داد. او در مصاحبہ ای این ہمہ چیزها را اینطور بیان کردہ است:

"اس وقت تو نظام ٹوٹ رہا تھا، میرے سامنے ٹوٹا ہے۔ میں نے اپنے گھر میں دیکھا کہ وہ نظام ٹوٹ رہا ہے، براہ راست ہم لوگ اس سے متاثر ہوئے اور میں اتنا ضرور کہوں گی کہ اس نظام سے مجھے محبت تھی گو میں یہ سمجھتی کہ یہ بڑی غلط چیز ہے یعنی نظام بذات خود کافی غلط ہے لیکن یہ میرا اپنا نظام تھا۔ آپ کے دادا یا آپ کے دادی اگر نامعقول ہوں پھر بھی آپ کے دادا، دادی تو ہیں۔ آپ ان کا DENY تو نہیں کر سکتے۔ اس نظام میں کچھ خوبیاں بھی

تھیں۔ کردار سازی اس کی سب سے بڑی خوبی تھی، اس کا سب سے بڑا Contribution تہذیب کی آبیاری ہے۔"⁶

"ترجمہ: آن وقت نظام زندگی جامعہ می شکست، پیش من می شکست۔ من شکستن آن نظام را در خانه خود دیدہ ام۔ ما در آن شکستن نظام تحت تاثیر قرار می گرفتیم۔ من بہ ذات خود این نظام را دوست می داشتم گو این کہ می دانم کہ این درست نیست یعنی نظام جامعہ بہ ذات خود عیب است چونکہ این نظام من بود۔ گر جد شما یا مادر بزرگ شما عقل نداشتند باوجود اینکہ آنها جد یا مادر بزرگ شما بودند۔ شما نمی توانید آنها را رد کنید۔ آن نظام ارزش و خوبی ہا نیز داشت۔ بزرگترین مہم این شخصیت مردم بودہ است۔"

از طرف دیگر مادر قرۃ العین حیدر بسیار سمج بود۔ او خیلی خانہ خود را عوض می کرد۔ پیش او نیز سجاد حیدر تسلیم می کرد۔ گاہی اوقات مادر و پدر عینی باہم بحث و مباحثہ می کردند۔ این ہمہ چیزها فکر و اندیشہ عینی را بی حد متاثر می کرد۔ عینی دربارہ این می نویسد:

"یہ تو ہزاروں بار دہرائی ہوئی بات ہے کہ انسان کے خیالات اور کردار کی تشکیل میں اس کی پرورش، اس کے ذہنی

اور شعوری پس منظر اور اس کے گہرانے کا بہت دخل
ہوتا ہے۔⁷

ترجمہ: این سخن ہزارہا بار تکرار شدہ است کہ در
تشکیل خیالات و کردار انسان پرورش، پس منظر ذہنی و
ادرکش و خانواده اش نقش کلید بازی می کند۔

آموزش

آموزش مقدماتی قرۃ العین حیدر از طریقہ منظم صورت نگرفت
زیراکہ پدر او کارمند دولت بودہ، بیشتر اوقات بہ مسافرت می رفت و
مادر ہم بیشتر خانہ خود را عوض می کرد۔ بہ ہمین سبب آموزش
مقدماتی عینی خیلی فرق می کرد۔ باوجود این کہ آموزش مقدماتی عینی
از دہرادون کانونت آغاز می شود۔ بعد از چند روز بخاطر انتقال خدمت
سجاد حیدر یلدرم بہ لکھنو و کوچ مادرش بہ لاهور، عینی علیگر
فرستادہ شد و ہمین جا وی در کلاس سوم مدرسہ ثبت نام کرد۔ بعد از
چند روز مادرش بہ لکھنو بازگشت، بہ ہمین علت وی سپس در مدرسہ
لکھنو ثبت کرد۔ اینطور انتقال خانوادہ از شہری بہ شہر دیگر ادامہ
یافت تا در سال ۱۹۴۱م او امتحان کلاس دہم داد و با نمرہ خوب موفق
شد۔

قرۃ العین حیدر را از خرد سالی بہ ادبیات و فنون لطیفہ علاقہ
داشت زیراکہ او در محیط ادبی و شعر و شاعری پرورش یافت لذا
علاقہ وی بہ آن امر طبیعی بود۔ او نیز در نقاشی و ہنر شوق وافر

داشت. او موسیقی و نمایش نامه را دوست می داشت. به خاطر این که همه دانشجویان و استادان او را دوست می داشتند. استاد هنر در مدرسه لکهنو در گواهی نامه عینی اینطور می نویسد:

"اچھی تصویر بناتی ہیں۔ قوت تخیل وافر ہے۔ ہاتھ میں صفائی اور ڈرائنگ میں مہارت ہے۔ اگر دل لگا کر کام کرے تو ایک دن اچھی مصور بن سکتی ہے۔ مگر طبیعت میں جلد بازی ہے۔"⁸

ترجمہ: خوب تصویر می کشد. نیرو تخیل وافر دارد. سلیقه هنر دارد. اگر با علاقه کار کرد، در آئینده نقاش خوب خواهد شد. ولی طبعاً عجول است.

قرۃ العین حیدر دختر ہوشمند بودہ است. ولی او کار خود را ہمیشہ عجولانہ انجام می داد لذا کارش گاهی درست در نمی آمد. او نقاشی را خیلی دوست می داشت و بہ ہمین علت این کار را با علاقه انجام می داد. نمونہ نقاش وی بر جلد کتابش دیدہ می شود کہ آن تخلیق وی می باشد.

قرۃ العین حیدر بعد از موفق شدن کلاس دہم، وارد دانشکدہ بلاتھوبرن، لکھنو شد. ہمین دوران پدر وی از این دنیا چشم را بست. بہ ہمین سبب خانوادہ عینی بہ دہلی منتقل می شود و عینی در دانشکدہ اندر پرستہ در لیسانس ثبت نام کرد. بعد از فرا گرفتن لیسانس او بہ فوق لیسانس بہ دانشگاہ لکھنو ثبت نام کرد و ہمین جا مدرک فوق لیسانس

اخذ نمود. بعداً یک راه نو را پیش گرفت. این راه نو روزنامه نگاری بود که وی دیپلومه روزنامه نگاری از دانشکده غیر دولتی، لندن اخذ کرد و آن را همراه با زبان فرانسوی یاد گرفت. او در این باره می نویسد:

"جب تک برطانوی جرنلزم کی تاریخ پڑھائی گئی اسباق نہایت مفید اور دلچسپ ثابت ہوئے. مگر جب ماسٹروں نے یہ سکھانا شروع کیا کہ مضمون کس طرح لکھے جائیں تو خیال آیا کہ اس سے کہیں بہتر مضامین توہم پاکستان ٹائمز میں لکھے چکے ہیں اور یہاں لندن کے ماہنامے "ایسٹرن ورلڈ" میں لکھتے رہتے ہیں. اب مناسب یہ ہے کہ پولی ٹیکنیک میں ترضیع اوقات کے بجائے کسی اخبار میں کام کرنے کا تجربہ حاصل کیا جاوے."⁹

ترجمہ: "وقتی کہ درس تاریخ روز نامہ نگاری انگلیسی دادہ می شد، بسیار جالب و مفید بود. لیکن وقتی استادان دوران درس قواعد نوشتن مضمون یاد می داد. فکر می کنم کہ قبل از این در روزنامه پاکستان ٹائمز بہتر از این مضامین نوشته بودم و اینجا در مجلہ لندن "ایسٹرن ورلڈ" می نوشتم. حالا مناسب این است کہ در پولی ٹیکنیک اوقات را خراب نہ کردہ، در روزنامہ دیگر کار می کنم تا مہارت در این زمینہ بیشتر پیدا کنم."

از این طور قرۃ العین حیدر سفر آموزش خود را ادامه می داد.

خدمات ادبی

قرۃ العین حیدر قریحہ ادبی موروثی داشته است چونکہ آموزش و پرورش عینی در آن محیط شدہ بود کہ در آن ہمیشہ آمد و رفت ادباء و شعراء بودہ است. پدر عینی سجاد حیدر یلدرم خود یکی از برجستہ ترین ادباء آن زمان بشمار می رفت. از طرف دیگر مادرش در دنیا ادب غیر معروف بود و یک سهم خود در دنیای ادب می داشت این محیط ادبی در عینی اثر زیادی گذاشتہ است. "پہول"، "بنات"، و تہذیب نسواں" این سہ رسالہ اردو بودہ است کہ در آن عینی از کودکی مربوط بہ کودکان مقالہ ہا می نوشت. اما او دربارہ آغاز سفر ادبی خود این طور ذکر کردہ است:

"ایک روز حکیم یوسف حسن لاہور سے تشریف لائے اماں سے کہا، "نیرنگ خیال کی حالت دگرگوں ہو چکی ہے۔ کوشاں ہوں کہ پھر اسی آب و تاب سے نکلے" معاً مجھے مخاطب کیا، "اب قلم آپ کے ہاتھ میں آیا ہے۔ آپ نیرنگ خیال میں لکھنا شروع کیجیے۔"

میں نے نہایت اطمینان اور خود اعتمادی سے جواب دیا، "اچھا ضرور لکھیں گے۔" آخر پہول اور بنات اور تہذیب نسواں لکھ رہے تھے کہ نہیں۔ بڑوں کے رسالوں میں لکھ

لیں گے۔ کون سے کمال کی بات اور لکھنؤ ریڈیوں کے بچوں اور عورتوں کے پروگرام کے لیے اتنے سارے اسکٹ جو لکھے تھے وہ الگ۔

چند روز بعد ایک طنزیہ اسکٹ "ایک شام" لکھ کر چچا زاہدی کو دکھایا۔ انہوں نے بیحد پسند کیا۔ مگر کہنے لگے اپنے نام سے چھپواؤ گی تو کسی کو یقین نہیں آئے گا کہ این قدر نے لکھا ہے۔ پہلے فرضی نام سے لکھو۔ چچا نے لالہ رخ کے فرضی نام سے وہ مضمون ادیب کے اڈیٹر فصیح الدین احمد کو دے دیا۔ وہ بغیر کسی رد و بدل کے شائع ہو گیا۔ اس کے بعد ایک افسانہ بعنوان "ارادے" اپنے نام سے ادیب کو بھیجا۔ اس پر مبلغ بیس روپے کا انعام ملا۔ چچا نے کہا بس اب تم باقاعدہ افسانہ نگار بن گئیں۔"¹⁰

ترجمہ: یک روز حکیم یوسف حسن از لاہور تشریف آورده و مادر گفت "حال نیرنگ خیال خیلی خراب بود۔ سعی می کنم کہ او یک بار دیگر چاپ بشود۔ مرا مخاطب کرد، شما باید در "نیرنگ خیال" نوشتن آغاز کنید۔"

من با نهایت اعتماد و اطمینان پاسخ دادم، "باید خوب می نویسم". زیرا کہ در "پہول"، "بنات" و تہذیب نسواں" می نوشتم۔ حالا در مجلہ بزرگ سالان ہم می نویسم۔ چہ ہنر

در اینجا است و در رادیو لکهنو برای برنامه خانمها و اطفال بسیار اسکت نوشتم که آن جداگانه.

بعد از چند روز یک طنزیه اسکت "یک شام" نوشته به عمو زاهدی دادم. او این اسکت را خیلی پسند کرد ولی گفت که اگر به نام خود منتشر کردید، کسی یقین نمی کند که شما این قدر نوشته اید. اولین به نام فرضی بنویسید. عمو این مقاله را به فصیح الدین احمد به نام فرضی لاله رخ داد. آن مقاله بدون تغییر و تبدیل منتشر شد. بعد از این یک داستان به عنوان "ارادے" به نام خود به مدیر فرستادم. بخاطر این وی بیست روپیه انعام به من داد. عمو گفت حالا شما داستان نگار شده اید."

این طور آغاز زندگی ادبی عینی شروع شد بعداً او در مجله های نامی همیشه می نوشت. اولین مجموعه داستان های عینی بنام "ستاروں سے آگے" در سال ۱۹۴۷م انتشار یافت. بعد از این او بعنوان نویسنده روز به روز خوبی تر می شد و در میان نویسندگان معروف شهرت پیدا کرد. روش و شیوه داستان نویسی عینی از دیگر نویسندگان جداگانه بوده است. داستان عینی از لحاظ موضوع، تکنیک، محیط و نقشه (Plot) رنگ مخصوص خود را دارد که برای خوانندگان وی جای تعجب است که عینی از کدام چنیا سخن می گوید. منتقدین به وجه سبک نوین در داستان نویسی، عینی را خوب نقد کرده اند ولی او در راه خود ثابت قدم

بود و بہ منتقدین اعتقاد نہ کرد۔ این سبک نوین بعداً شناخت عینی شد۔ او
دربارہ موضوع و منابع و مأخذ داستان خود می نویسد:

"میں جو افسانے لکھتی ہوں وہ اکہرے نہیں ہوتے۔ ان
افسانوں میں کوئی کوئی تہہ داری ضرور ہوتی ہے اور
تکنیک کے لحاظ سے بھی مختلف ہوتے ہیں اور شروع
سے رہے ہیں۔ یہ میں نے بالکل غیر شعوری طور پر کیا۔ اب
یہاں ایک تضاد ہوگا۔ میں جو یہ کہتی ہوں کہ ہر چیز
مغرب سے لی ہوئی ہے تو میرے افسانے اور یجنل کیسے ہیں۔
اس کے لیے کہہ سکتی ہوں کہ میری پوری تعلیم و تربیت
Mental background انگلش ہے حالانکہ یہ بات بڑی بے
وقوفی کی لگتی ہے۔ میری پوری امیجری انگلش ہے۔ ساتھ
ساتھ ہندوستانی بھی۔ یعنی ڈرائینگ روم بھی تھا اور
دیوان خانہ بھی۔ دونوں چیزیں ساتھ ساتھ تھیں۔ میں نے ان
دونوں کا اثر قبول کیا۔ اب میرا جب ڈائٹ ہی وہ رہا ہو تو
میں اسی انداز سے سوچوں گی، اسی انداز سے لکھوں
گی۔ لہذا میرے شروع کے سارے افسانوں میں کانونٹس
کے ماحول، کرسمس کے گانے گائے جارہے ہیں تو پورا
کا پورا جو میرا ماحول تھا اسے میں لکھتی چلی گئی۔" 11
در ہمیں مصاحبہ جای دیگر خود می گوید:

"میرے مختلف افسانوں کی جو بیک گراؤنڈ ہے وہ کہیں
منیلا کی ہے، کہیں جاپان کی، کہیں ایران کی، جہاں
کہیں میں گئی ہوں، جہاں جہاں میں رہی ہوں اور جن
چیزوں نے مجھے Inspire کیا ہے میں نے لکھا" 12

ترجمہ: "ہر چہ کہ من داستان نوشتہ ام بی بنیاد نیست
بلکہ با آن داستان ارتباط دارد و از لحاظ تکنیک ہم
مختلف می باشد و این روش از شروع بوده است. این ہمہ
چیز ہا را بہ طور غیر شعوری آورده ام. اینجا یک سخن
تضاد است کہ من گفته ام کہ منابع این از غرب گرفته ام
سپس داستان من چطور اصلی می باشد. بنا بر این میتوان
گفت کہ ہمہ تعلیمات و پرورش من Mental background
انگلیسی است چونکہ این سخن بی اساس خواهد بود کہ
ہمہ عکس من انگلیسی است و ہم ہندی یعنی اتاق
پذیرائی ہم دیوان خانہ بود. دو چیز بہ من متاثر کرد.
محیط این طور بود کہ فکر و اندیشہ من در تحریر روشن
می شود. سپس آغاز ہمہ داستان ہا در محیط مدرسہ
غربی، سرود کرسمس تاثیر یافته است.

در ہمین مصاحبہ جای دیگر خود می گوید:

"پس منظر مختلف داستان من گاہی ایرانی، گاہی ژاپونی
گاہی منیلا است. بہ طور خلاصہ می توان گفت ہر جای

که رفته ام و هر جای که اقامت داشته ام و هر چیزی که
الهام بخش من می بود، نوشتار من بر آنها حکایت می
کند."

وقتی قرۃ العین حیدر داستان نویس ورزیده شد. همین وقت او هم
در قلمروی رمان نویسی قدم زد و ادبیات اردو را گسترش داد. نخستین
رمان عینی بنام "میرے بھی صنم خانے" می باشد. او در این رمان
راجع به تجذیه هند نوشته است که آن رمان در سال ۱۹۴۹م چاپ شد.
بعد از این او چند رمان دیگر نوشته است که آن رمان در جای خویش
بسیار معروف شده است. بویژه رمان او موسوم به "آگ کا دریا" که آن
رمان مبنی بر فرهنگ و تمدن دویست هزار پنصد ساله هند می باشد.
شهرت جهانی برای وی پیدا کرده. این رمان شور و غوغا در ادبیات
اردو برپا کرد و آن بهترین رمان اردو به شمار می رود. طرف دیگر او
یک اتوبیوگرافی بنام "کار جهان دراز ہے" بصورت رمان نوشته است.
این یک صنف نو در ادبیات اردو است که آن نوع ادبی قبل از وی در
ادبیات اردو نظیر نداشته است. در این مخزن اطلاعات وجود دارد.
کینوس یا چهار چوب این رمان خیلی وسیع است که سفر آن از کوفه
شروع می شود تا دوره جدید اختتام می یابد. در این رمان نویسنده چند
فرهنگ را نشان داده است. از این رو سفر ادبی قرۃ العین حیدر خیلی
دراز است. لذا اسم کتاب "کار جهان دراز ہے" گذاشته است. درین

TH-20204



مقالہ ممکن نیست کہ ہمہ آثار عینی با تفصیل بیان شود. لذا اینجا یک
فہرست تصنیفات و تالیفات چاپ شدہ وی بہ شرح ذیل ذکر می کند:

مجموعہ داستان

۱۹۴۷	ستاروں سے آگے
۱۹۵۴	شیشے کے گھر
۱۹۶۶	پت جھڑ کی آواز
۱۹۸۲	روشنی کی رفتار

رمان

۱۹۴۹	میرے بھی صنم خانے
۱۹۵۲	سفینہ غم دل
۱۹۵۹	آگ کا دریا
۱۹۷۱	آخر شب کے ہم سفر
۱۹۷۷	کار جہاں دراز ہے (اول)
۱۹۷۹	کار جہاں دراز ہے (دوم)
۱۹۸۷	گردش رنگ چمن
۱۹۹۰	چاندنی بیگم
۲۰۰۲	شاہ راہ حریر (کار جہاں دراز ہے. سوم)

ناولٹ

- ۱۹۶۰ سیتا ہرن
۱۹۶۴ چائے کے باغ
۱۹۷۷ اگلے جنم مجھے بٹیا نہ کیجو
۱۹۷۶ دلربا

رپورتاژ

- ۱۹۵۳ لندن لیٹر
۱۹۵۸ ستمبر کا چاند
۱۹۶۶ چھٹے اسیر تو بدلا ہوا زمانہ تھا
۱۹۷۸ کوہ دماوند
۱۹۸۳ قید خانے میں تلام ہے کہ بند آتی ہے

گلگشت

جہان دیگر

خضر سوچتا ہے و و لر کے کنارے

دکن سا نہیں ٹھہار سنسار میں

پدما ندی کے کنارے

تالیفات قرۃ العین حیدر

- ۲۰۰۳ دامان باغبان (مجموعہ خطوط)
- ۲۰۰۴ کف گل فروش. اول (سیاہ و سفید تصاویر)
- ۲۰۰۴ کف گل فروش. دوم (رنگین تصاویر)
- ۲۰۰۴ ہوئے چمن میں خیمہ گل (کلیات نذر سجاد حیدر)
- ۲۰۰۳ ماتی گیلانی اور قرۃ العین حیدر (در انگلیسی)

تراجم

از انگلیسی بہ اردو

- ۱۹۵۸ ہمیں چراغ ہمیں پروانے از ہنری جیمسن
- ۱۹۶۹ آدمی کا مقدر از میخائل شولوخوف
- الپس کے گیت از واسل ہائی کوف
- ۱۹۶۶ ماں کی کھیتی از چنگیز اعتمادوف
- کلیسا میں قتل از ٹی ایس ایلپٹ
- تلاش از ٹرومین کاپوٹ

از اردو بہ انگلیسی

- ۱۹۷۰ غالب اینڈ ہز پوئٹری
- ۱۹۷۴ اسٹوریز فرام انڈیا

۱۹۹۲

دی نوچ گرل

۱۹۹۵

ڈانسنگ گرل

قرۃ العین حیدر مختلف داسانہای مربوط بہ اطفال ہم نوشتہ است

از این قرار است:

لومڑی کے بچے

بہادر گھوڑا

میاں ڈھینچوں کے بچے

بھیڑیے کے بچے

ہرن کے بچے

شیر خاں

ڈینگو

حسن بن عبد الرحمن

تجلیل و جوائز

❖ در سال ۱۹۶۷م مجموعہ داستان "پت جھڑ کی آواز" قبول

شد و جایزہ ساہتیہ اکادمی بہ وی تعلق گرفت.

❖ در سال ۱۹۶۹م جایزہ تراجم سوویت لینڈ نہرو بہ وی دادہ

بود.

❖ در سال ۱۹۸۲م برای مجموعی خدمات ادبی جایزه
اترپردیش اردو اکادمی به وی داده بود.

❖ در سال ۱۹۸۴م جایزه "پدم شری" و جایزه "غالب" به
عینی اعطا شد.

❖ در سال ۱۹۹۰م عینی برزگترین جایزه ادبی "گیان پیته
ایوارد" به وی تعلق گرفت.

❖ در سال ۱۹۸۱م عینی از طرف بنگال غربی، اردو اکادمی
"جایزه پرویز شاهی" دریافت کرد.

قرۃ العین حیدر در فیلم مستند سازی کار انجام داد و چند فیلم نامه
فیلم هم نوشته است. او در چند دانشگاه بحیث استاد مهمان دعوت شد.

منابع و مأخذ

- 1 وہاج الدین علوی، اردو خود نوشت: فن و تجزیہ، ص ۳۶
- 2 نقوش، آپ بیتی نمبر، جلد ۱۔ ص ۳۲۰
- 3 وہاج الدین علوی، اردو خود نوشت: فن و تجزیہ، ص ۳۹
- 4 قرۃ العین حیدر، کار جهان دراز ہے، جلد اول، ص ۳۹۶
- 5 قرۃ العین حیدر، آئینہ خانے میں، جلد دوم، شمارہ۔ ۶۳ ص ۷۶
- 6 افتخار امام صدیقی، میرے افسانوں میں بہت ویرانیٹی ہے، جمیل اختر (مرتب)، نوائے سروش، ص ۱۲۴
- 7 قرۃ العین حیدر، آئینہ خانے میں، نقش، جلد ۲۔ شمارہ۔ ۶۳، ص ۷۷۵
- 8 قرۃ العین حیدر، کار جهان دراز ہے، جلد اول، ص ۴۴۰
- 9 قرۃ العین حیدر، کار جهان دراز ہے، جلد دوم، ص ۵۴۹
- 10 قرۃ العین حیدر، کار جهان دراز ہے، جلد اول، ص ۴۲۵
- 11 افتخار امام صدیقی، میرے افسانوں میں بہت ویرانیٹی ہے، جمیل اختر (مرتب)، نوائے سروش، ص ۱۳۳
- 12 افتخار امام صدیقی، میرے افسانوں میں بہت ویرانیٹی ہے، جمیل اختر (مرتب)، نوائے سروش، ص ۱۳۸

فصل دوم

انعکاس فرهنگ فارسی در "کار جہاں

دراز ہے"

فرهنگ فارسی معین، فرهنگ را مرکب از دو واژه فر و هنگ به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت و آداب و رسوم تعریف کرده است.

از لحاظ فرهنگ می توان گفت که ایران مخزن فرهنگ است و غنی تر از دیگر ممالک جهان می باشد. ایرانیان فرهنگ خود را زیاد اهمیت می دهند حتی فرهنگ ایران تحت تاثیر عرب تغییر نکرده است. ایرانیان همیشه فرهنگ خود را عزیز و احترام داشته اند و به فرهنگ خود در مقابل فرهنگ اسلام توجه زیادی داده اند. جشن نو روز و تقویم هجری شمسی از میان فرهنگ ایرانیان می باشد. ایرانیان همیشه هجری شمسی را در کار خود برده اند تا این فرهنگ مخصوص همیشه باقی بماند. همیشه آنها جشن نو روز را با جنب و جوش جشن می گیرند گاهی گاهی دیده می شود که آنها تاریخ جشن عید الفطر و عید الاضحا را فراموش می کنند ولی تاریخ جشن نو روز را هرگز از یاد نمی بردند. این یک نشان فرهنگ دوستی در میان ایرانیان است.

کتاب "کار جهان دراز ہے" بتوسط نویسنده مشهور معروف قرۃ العین حیدر نوشته شده است. این کتاب حاوی تاریخ خانواده، یک زندگی نامه خود و همان وقت رمان تخیلی هم است. مولف این

کتاب را به زبان اردو نوشت و عنوان آن را یکی از بیت علامه اقبال گرفته است:

باغ بهشت سے مجھے حکم سفر دیا تھا کیوں
کار جہاں دراز ہے اب میرا انتظار کرا^۱

قرۃ العین حیدر در این کتاب تاریخ فرهنگ فارسی زبانان را به تصویر کشیده است. او ضمن ذکر سفر اجدادش به بخارا و سمرقند تاریخ سامانی، غزنوی، سلجوقی و صفوی هم بیان کرده است. او در کتاب خود درباره شعر و شاعری رودکی، فردوسی، خاقانی و غیره را ذکر نموده است.

قرۃ العین حیدر در کتاب خود از تاریخ فرهنگ صفاریان آغاز می کند. او می گوید:

"یعقوب صفاری بهت عوام کا قائد بن کر اٹھا تھا. لوہار ہوں، جو کی روٹی کھاتا ہوں مجھے خلیفہ بغداد کی پروا نہیں وغیرہ وغیرہ. خود امیر بن بیٹھا."^۲

ترجمہ: یعقوب صفاری رہبر مردم عادی برخاستہ بود. او اعلان می کرد من آہنگر ہستم، نان جو می خورم، من بی پروا از خلیفہ بغداد ہستم وغیرہ وغیرہ. آہستہ آہستہ خود امیر شد.

قرۃ العین حیدر در بارہٴ دروہٴ سامانی اینطور در کتاب خود

توضیح دادہ است:

"حاکموں نے بادشاہت کے آداب اختیار کرلیے۔ سامان کے لڑکوں کو حکومتیں بخشی گئیں۔ نوح سمرقند، احمد فرغنہ، الیاس ہرات، سب اپنا شجرہ بہرام چوبیس سے جوڑا۔ سارے حاکم خود کو خسرو اور دارا کہلوا کر خوش ہو رہے ہیں۔ بخارا اور سمرقند گھوم کر آؤ تو پتہ چلتا ہے کہ دنیا کیسی بدلی ہے۔ سامانی دربار میں رودکی قصیدے پڑھتا ہے۔

شاہ ماہ است و بخارا آسمان

شاہ سرو است و بخارا بوستان"³

ترجمہ: حکام آداب پادشاہی ہا اختیار کردند پسران سامان را حکومت دادہ بود۔ نوح در سمرقند، احمد در فرغنہ، الیاس در ہرات، ہمہ سلسلہ ای نصب نامہ را بہ بسرام گور رساندہ بودند۔ ہمہ خود را خسرو و دارا گفتہ و ناز می کنند۔ بہ دیدن بخارا و سمرقند معلوم می شود کہ چطور دنیا عوض شدہ است۔ در دربارہ سامانی رودکی قصیدہ می خواند:

شاه ماہ است و بخارا آسمان

شاه سرو است بخارا بوستان

او همانطور جای دیگر می نویسد:

"آل سامان نے وسط ایشیا کو تہذیبی لحاظ سے ایران سے ملحق کیا۔ اس خطہ میں تاجک فارسی پھیلی۔ ہم بھی عربی بولنا بھول گئے۔ عبا کو خیر باد کہا۔ ترکی و تاجک فارسی بولتے ہیں۔ سرخ چوغے اور دہاری دار خلعتیں زیب تن کرتے ہیں۔ سخت سرد ملک ہے۔ پورے پورے چرمی جوتے اور سموری ٹوپیاں اور سموری قبائیں پہنتے ہیں۔ ٹوپی یا عمامے پر یہ ایک سبز رومال البتہ باندھ لیتے ہیں کھ نشان آل رسول صلی اللہ علیہ وسلم ہے۔"⁴

ترجمہ: از لحاظ فرہنگی آل سامان آسیا میانہ را بہ ایران ملحق کردہ بود۔ در این خطہ فارسی تاجک پیشرفت کرد۔ من ہم عربی را فراموش کردم۔ عبا را ترک کردم۔ ترکی و تاجک فارسی صحبت می کردیم۔ چوغے سرخ و دہاری دار خلعت های خط دار بر تن می پوشیدم۔ کشور خیلی سرد است۔ ہمہ کفش چرمی و کلاہ سموری و قباہای سموری می پوشند۔ یک رومال

سبز برکلاه یا عمامے بسته بودند که این نشان آل
رسول صلی الله علیه وسلم است.

قرة العین حیدر الپتگین را عامل انقراض سامان قرار داده
است که الپتگین یکی از غلامان ترک سامانیان بود و در تشکیل و
تأسیس حکومت غزنوی ید طولاً داشته است.

عینی درباره دوره غزنوی در کتاب خود ذکر نموده است. او
می گوید که در دوره غزنوی زبان عربی از زبان فارسی ارزش
بیشتری داشت. در این دوره ابو علی سینا، ابن فارابی، البیرونی،
ابن موسی کتابهای فراوان در زمینه های مختلف به زبان عربی
نوشته اند. اما فردوسی طوسی شاهنامه را به زبان فارسی نوشت.
آن زبان را زنده و روشن ساخته است. فردوسی درباره کتاب خود
می نویسد:

بس رنج بردم درین سال سی

عجم زنده کردم بدین پارسی

نمیرم از این پس که من زنده ام

تخم سخن را پرکنده ام *

عینی می نویسد:

"سرکاری و علمی زبان عربی. درس گاہوں میں عربی پڑھائی جارہی ہے. البیرونی اور ابو علی سینا، ابن موسیٰ اور ابن فارابی کے زمانوں کو ابھی زیادہ عرصہ نہیں گزرا. لیکن نئی ایرانی قوم پرستی کی وجہ سے فارسی کا زور بڑھتا جا رہا ہے. ابو القاسم فردوسی نے ہم عربوں کی کم تحقیر کی ہے! جانے کیا ہونے والا ہے. سمجھ میں نہیں آتا." 51

ترجمہ: زبان علمی و رسمی زبان عربی است. در کلاس بہ زبان عربی تعلیم دادہ می شد. زمانہ البیرونی، ابن فارابی، ابن موسیٰ، ابو علی سینا زیاد نگذشت گزرد ولی بدلیل میهن پرستی درمیان ایرانیان، زبان فارسی پیشرفت کردہ بود. ابو القاسم فردوسی عرب ہا را زیاد تحقیر می کرد. من نمی دانم چہ خواہد شد. نفہمیدم.

عینی دربارہ عصر سلجوقی در کتاب خود بحث های طولانی کردہ است. او می نویسد کہ مؤسس سلسلہ سلجوقیان سلجوق بن دقاق بن ترکمانی بود. او نخستین در حوالی بخارا فرود آمد و دو برادر چغری بیگ و طغرل بیگ کہ قدرتی پیدا کردہ، بہ خراسان آمدہ بودند و غزنویان را مغلوب ساختند. مرکز سلطنت سلجوقیان

خراسان بود. عینی سلطان سنجر بن ملک شاه را خوب تعریف و توصیف کرده، می نویسد که او حامی عرفاء، شعراء، نویسندگان، محدث، فقهاء دین و غیره بود. او کتب خانه ها تعمیر کرد. یک کتاب خانه تقریباً حاوی دوازده هزار کتاب داشت عینی در کتاب "کار جهان دراز ہے" هم نوشته است که در دوره سلجوقیان شعراء مانند انواری، ناصر خسرو، سنایی، عطار و غیره بودند. دانشمندان و فقها و مشایخ مانند امام غزالی و غیره درین دوره ظهور کردند و آثار ادبی و تاریخی و دینی از قبیل منثور و منظوم بیشتر از دوره های قبل بوجود آمد. نظام الملک طوسی وزیر ملک شاه سلجوقی بود. او ادیب و نویسنده بود و به علماء احترام میکرد.

عینی می نویسد وقتی که سلطان سنجر به دست قبیله ترک دستگیر شد، ترک ها و علماء و مشایخ را کشتند و کتابخانه ها ویران کرده بودند. این نظاره وحشت ناک را دیده، انوری ناله و گریه کرد و این بیت ذیل را سروده بود.

به سمرقند گر بگذری اے باد سحر

نامه اهل خراسان به بر خاقان بر* *

قرة العین حیدر بعد از دوره سلجوقی، درباره دوره مغول و تیموریان در کتاب خود صحبت می کند. او می گوید که فتنه مغول و حمله تیمور یکی از مصیبت های بزرگ تاریخ است که نه تنها

ایران را تحت تاثیر قرار داد بلکہ یک قسمت مهم آسیا و اروپا را
ویران و پریشان نمود. او در کتاب خود ذکر کرد کہ شیخ سعدی
شیرازی درباره فتنہ مغول بہ نالہ و گریہ می پردازد:

خون فرزندان عم مصطفیٰ شد ریختہ

ہسم براں خاکی کہ سلطانان نہادندی جبیں ***

سپس عینی درباره دورہ صفویہ در "کارجہاں دراز ہے"
بیان می کند کہ بزرگترین پادشاہان درین دورہ شاہ اسماعیل، شاہ
طہماسپ وغیرہ بودند. شاہ اسماعیل اولین کسی است کہ مذهب
شیعہ را مذهب رسمی ایران قرار داد. شاہان صفویہ خود را سید
قرار دادہ بودند ولی بہ نظر عینی آنها سید نبودند بلکہ خود را سید
ساختہ بودند.

"مغربی ایران میں ایک صوفی شاہ صفی الدین ارد بیلی
گزرے ہیں کہ امام موسیٰ کاظم کی نسل سے تھے. ان کے
خانوادے کے معقدین زیادہ تر شیعہ آذر بائیجانی ترک تھے.
یہ ترک ائمہ اثنا عشریہ کی نسبت سے بارہ کنگوروں ولی
سرخ بانات کی ٹوپیاں پہنتے تھے. اس کی وجہ سے قزلباش
یعنی سرخ ٹوپی والے کہلاتے تھے. شیخ حیدر صفوی کے
لڑکے اسمعیل نے ان قزلباش ترکوں افشار، قاچار وغیرہ

قبائل اور صوفیائے قراباغ کی مدد سے حکومت ایران کا تختہ الٹا. خود تبریز میں تخت نشین ہوا. (ہمارے بزرگون کا خیال تھا کہ شیابان صوفیہ بنے ہوئے سید تھے. خیر)⁶

ترجمہ: شاہ صفی الدین ارد بیلی یکی از عرفاء در ایران غربی زندگی بسر کرده بود که او از اولاد امام کاظم بود. معتقدین وی زیاد تر پیروی شیعہ بودند. آنها به نسبت اثنا عشری کلاه سرخ می پوشیدند. به همین علت آنها قزلباش یعنی بنام کلاه سرخ خوانده می شدند. شاه اسمعیل پسر شیخ حیدر صفوی به کمک آن قزلباش ترک، قاچار، صوفیاء قراباغ وغیره تخت ایران را برباد داده و در تبریز تخت نشین شد. (به عقیده بزرگان ما که شاهان صفوی خود را سید ساخته بودند. خوب)

قرة العين حیدر در زمان رضا شاه پهلوی در سال ۱۹۷۰م به خراسان سفر کرده بود. او درباره اهمیت و ارزش خراسان در کتاب خود اینطور مطرح داده است کہ خراسان شرقی ایالت است. در اینجا طلوع آفتاب نخستین بار دیده می شود. محیط خراسان خشک و زمین و کوهش هم خشک و رنگش سرخ است. تعجب است کہ در این محیط ادباء، علماء، سپہ سالار، سیاست دان نامور پیدا شدند.

عینی در کتاب خود به طرف یک فرهنگ ایرانی اشاره کرده می نویسد که تفأل از دیوان حافظ بین ایرانیان معولاً بوده است. به مناسبت این او روزی از دیوان حافظ فال زد و این شعر آمد:

حافظ در کنج فقر و خلوت شب بانه تار

تابود وردت دعا و درس قران غم مخور ****

قرۃ العین حیدر درباره مقام مقدس مشهد می نویسد:

"مشهد نیشاپور سے ۹۵ میل دور تھا۔ یہاں سلطان محمود نے روضہ امام کا گنبد دوبارہ تعمیر کروایا۔ سلطان کی بیٹی نے اس پر حسین ٹائل لگوائے۔ پھر جو بادشاہ خراسان پر حاوی ہوتا سب سے پہلے آکر امام کے روضہ پر مزید سونا چاندی جواہرت جڑوا جاتا۔" 7

ترجمہ: فاصلہ بین مشهد و نیشاپور ۹۵ میل بود۔ اینجا سلطان محمود گنبد روضہ امام بار دیگر ساخته بود۔ دختر سلطان بر این گنبد کاشی حسین چسپانده، گنبد را رونق داده بود۔ همه پادشاہان خراسان اینجا آمدہ بودند و سیم و زر نذر کردند۔

همه دانند که در زمينهٔ هنر و معماری ایران از دیگر ممالک جهان فوقیت دارد. عینی می نویسد که یک نفر نیشا پوری بنام سید

محمود در محمود پور نزدیک مرادآباد آمد و اینجا ریاست خود را تشکیل داد و تعمیرات دلچسپ ساخته بود. عینی بمناسبت این از تذکرہ استناد می کند:

"در ملک بنگالہ مراتب یافت و بطون رسیدہ و بوبکی وجٹ پورہ وغیرہ نج موضع را مخلوط کردہ. محمود پور باسم خود کرد و پسرش سید داؤد قلعه و دیگر عمارت رفیعہ آنجا بنا ساخت ہم بصداق آثار پدیداست صنادید عجم را"⁸

قرۃ العین حیدر در کتاب خود بنام "کار جہاں دراز ہے" دربارہ آداب و رسوم افغانستان ذکر نموده است. در این آداب و رسوم فرہنگ خود را می بیند. چنانکہ عینی می نویسد:

"افغان ہمیشہ سے جمہوری رہا ہے. دستر خوان پر بوڑھا بادشاہ، بھائی بھتیجے، رشتہ دار اور خدام ایک ساتھ بیٹھتے ہیں. بسم اللہ کہہ کر کھانا شروع کرتے ہیں. خداوند تعالیٰ جس حال میں رکھے اس کا شکر ہے."⁹

ترجمہ: افغانستان ہمیشہ کشور جمہوری می باشد. بر سفرہ پادشاہ، برادر، نوادہ، وابستہ گان، خدام ہمہ باہم می نشینند. بہ قرأت بسم اللہ خوردن آغاز می کنند. از خداوند تعالیٰ بہ ہر حال تشکر می کنند."

قره العین حیدر درباره شهر همدان و محیط آن شهر نوشته است که همدان یکی از قدیم ترین شهرهای جهان است ولی بغداد در مقابله همدان مانند پیرس معلوم می شود. راه همدان بسیار دشوار است که آن راه در میان کوه می گذرد. همدان در ساحل واقع است.

عینی درباره محیط تهران می نویسد که تهران از همدان فاصله راه دو روزی است. در ماه اپریل سرما در تهران زیاد می شود. تهران مانند شهر دهره دون هند اطرافش کوه و برف می دارد.

عینی درباره قالین ایرانی در کتاب خود نوشته است. قالین ایران در سراسر جهان مشهور و معروف است. در قالین ایران هر گونه نقشه مثل اشعار، برگ چنار، لاله گل، سرو و صنوبر، پویلین، آجو و پرند و غیره موجود است. این قالین هم نرم و نرمک و رنگین می باشد.

عینی در کتاب خود درباره شاعر برجسته فارسی شبه قاره هند دکتر علامه اقبال و کتاب ماندگار او بنام اسرار خودی و رموز بی خودی مطرح کرده است. او می نویسد که دکتر علامه اقبال پدر روحانی پاکستان بود و هم غرب زده بود. او فلسفه غربی مطالعه کرده و درباره فلسفه غربی ها نوشته است. او دو مفکر بنام MAX

SHOLER و ST. THOMAS AQUINAS را دوست می داشت زیرا که تفکرات آنها متعلق به مذهب بود. اقبال جمهوریت پرست هم بود ولی جمهوریت را با آئینه اسلام پسند می کرد. مولانا محمد علی یکی از استادان جامعه ملیه اسلامی بود. وی کتاب 'اسرار خودی' و 'رموز بی خودی' را درس می دهد. هر شعر را تشریح کرده و با احساسات و سوز درونی اقبالیات را درس می دهد. او آیات قرآنی و حدیث را آورده شعر آن را بطور استدلال پیش دانشجویان توضیح داده است.

قرّة العین حیدر در کتاب خود بنام "کار جهان دراز ہے" درباره نوروز، نمایشنامه واقعه کربلا جزئیات ذکر نموده است. نو روز بزرگ ترین و مهمترین عید ایرانیان است. نو روز عید ملی مردم ایران است و همه ایرانیان در مراسم آن شرکت می کنند همه دانند که ایرانیان فرهنگ باستانی خود را زیاد اهمیت و ارزش می دهند. حتی آنها فرهنگ خود را از جشن مربوط به دین اسلام زیاد اهمیت داده اند. نو روز جشن آغاز سال ایرانیان است. نو روز ۲۱ مارس یعنی نخستین روز فروردین در ایران بر گزار می شود و فروردین نخستین ماه سال ایران است. مردم ایران در عید نو روز مراسم خاصی دارند. پیش از نو روز، مردم خانه هایشان را تمیز می کنند. هنگام تحویل سال، مردم سفره در خانه هایشان پهن می

کنند۔ سفرہ ہفت سین نام دارد۔ در این سفرہ ہفت تا سین وجود دارد این ہفت سین از این قرار است: سرکہ، سَمَنو، سیر، سیب، سبزی، سُمَاق و سَنجد۔ معمولاً در سفرہ ہفت سین آینه، شمع، قرآن و یک یا دو ماہی قرمز کوچک ہم می گذارند۔ نمایشنامہ واقعہ کربلا ہم یکی از فرہنگ مردمان فارسی زبانان می باشد۔ نمایشنامہ واقعہ کربلا در ماہ محرم بہ یاد واقعہ کربلا در میان مردم شیعہ اجرا می شود۔ ہمہ ایرانیان این مراسم را می شناسند و بیشتر مردم در آن شرکت می کنند۔

قرۃ العین حیدر در کتاب خود دربارہ رستم و سہراب ذکر نمودہ است۔ او می نویسد:

"رستم جی کے بیٹے کا نام سہراب تھا۔ یہ رستم و سہراب تازہ وارد زرتشتی تھے۔ یعنی ان کا خاندان پچھلی صدی میں ایران سے آیا تھا۔ ان کے رشتہ دار اب بھی تہران اور یزد میں رہتے ہیں۔ یہ اپنی مخصوص فارسی بولتے ہیں۔ جو غالباً ایران میں عربوں کی آمد سے قبل کی روز مرہ زبان یا بولی ٹولی تھی۔ یہ دینا کے ان چھوٹے چھوٹے فرقوں میں سے تھے۔ جنہیں تاریخ کی تل چھٹ کہا جاسکتا ہے لیکن اب بھی یہ بڑے جوشیلے قوم پرست ایرانی تھے اور ان کے ریستورانوں میں شہنشاہ محمد رضا پہلوی اور شہبانو

فرح پہلوی کے پورٹریٹ آویزاں تھے۔ ایرانیوں کی یہ شدید
 وطن پرستی فردوسی کے زمانے سے چلی آ رہی ہے اور سارے
 شرق اوسط میں وہ اپنی اس خصوصیت کے لیے منفرد
 سمجھے جاتے ہیں۔ جب ایران میں زلزلہ آیا تو ان سارے
 زرتشتی ایرانیوں نے اپنی اپنی دکانوں کے کاؤنٹر پر امدادی
 فنڈ کے ڈبے رک دیے۔ ایک دن رستم جی نے بڑے دکھ سے
 وہ ڈبہ میرے سامنے پیش کیا اور کچھ بولا نہیں۔ اس کی
 آنکھوں میں آنسو تھے۔ رستم جی کی دکان سے چند قوم
 اوپر جا کر ذرا چڑھائی پر پہلا پھاٹک آشا محل کا تھا۔
 اس پھاٹک کے برابر ایک بہت ہی قدیم بیر کا درخت
 ایستادہ تھا۔ جس کی مہیب جڑیں بہت دور تک پھیلی
 ہوئی تھیں۔ اس درخت کی جڑوں اور شاخوں اور رستم
 جی کے بوڑھے باپ کی انگلیوں میں ایک عجیب سی
 مماثلت نظر آتی تھی۔ یہ بوڑھے پارسی بھی اپنے پوتوں،
 نواسوں کے ان دکانوں کے کونے میں بالکل چپ چاپ
 بیٹھے رہتے تھے۔ ان کا ما بعد الطبیعاتی تعلق اس قدیم آتش
 کدوں کے گھنگھریالی داڑھی والے سنگی مجسموں سے
 تھا جو اشوریہ کلدانیہ بابل اور ایران میں تراشے گئے تھے۔ یہ
 ایک پرہیز پر جلال فن سنگ تراشی کے نمونے تھے۔

جس میں ان کے ہم عصر یونانی مجسموں کی نزاکت اور حسن اور انسائیت ناپید تھی۔ ایران قدیم کی شہنشاہیت کی قہاری و جباری ان سنگی تصویروں میں نمایاں تھی۔ یہ ایک ایسی پر اسرار تہذیب تھی جس نے اپنی مسٹری چار ہزار برس سے برقرار رکھی تھی۔¹⁰

ترجمہ: اسم پسر آقای رستم سہراب بود۔ این رستم و سہراب خالص زرتشتی بود یعنی خانوادہ او قرن گذشتہ از ایران آمدہ بود۔ وابستہ گان وی ہم در تہران و یزد زندگی می کنند۔ آنها بہ فارسی مخصوص خود حرف می زدند۔ آن زبان غالباً قبل از آمدن عربہا در ایران زبان روزمرہ ایران بود۔ آنها از میان کوچک فرقہ ہای جہاں بود۔ آنها را درد تاریخ می گویند۔ لیکن ہنوز این فرقہ قوم پرست ایرانی بود در ریستورانہا وی عکس شاہ محمد رضا شاہ پهلوی و شہبانو فرح پهلوی آویزان کردہ است۔ این سخت وطن پرستی در میان ایران از زمان فردوسی آغاز می شود۔ مرکز شرقی بوجہ این خصوصیات یک گروہ جداگانہ بشمار می رود۔ وقتی کہ در ایران زلزلہ می آید۔ این ہمہ زرتشتی ایرانیان در پیش فروشگاہ صندوق برای اعیانہ

و کمک مالی داشتند. روزی آقا رستم پیش من آن صندوق برای کمک مالی پیش کرد و هیچ نه گفته، چشم او اشک آلود بود. از دکان رستم چند قدم بالا محله آشا محل بود. در برابر آشا محل چوب بدرخت قدیمی ایستاده بود و ریشه آن به دور و دراز کشاده بود. ریشه و شاخهای این درخت و انگشت پدر پیر آقا رستم یک مماثلت عجیبی دارد. این پیر پارسی باهمراهان نواده در دکان خاموش نشسته بود. ارتباط وی به آتش کده قدیم بود که در اشوریه کلدانیه بابل به ایران ترشیده بود. این یک نمونه پربیبیت و پرجلال فن سنگ تراشی بود که در این نزاکت و حسن هم عصر مجسم یونانی بود. در این تصویرهای پادشاهان قهار و جبار قدیم ایران تصویر کشیده شد. این یک فرهنگ پر اسرار بود که از چهار هزار سال برقرار بوده است.

زبان یکی از مهمترین جزء فرهنگ بحساب می رود. قره العین حیدر در کتاب خود واژه های فارسی زیاد استفاده کرده است. گرچه کتاب وی "کار جهان دراز ہے" بزبان اردو نوشته شده است ولی او درین کتاب واژه های فارسی را آورده، کتاب خود را رونق

بخشیده است. زبان اردو خانم قره العین حیدر بسیار فارسی آمیز
است و نشاندهنده فرهنگ غنی کشورهای فارسی زبان می باشد.

منابع و مأخذ

- 1 بال جبریل، دکتور علامہ اقبال لاہوری، ص ۷
- 2 کار جہاں دراز ہے؛ (جلد اول) قرۃ العین حیدر؛ ص ۱۶
- 3 همان؛ ص: ۱۵، ۱۶
- 4 همان؛ ص: ۱۶
- 5 همان؛ ص: ۱۶
- 6 همان؛ ص: ۸۹
- 7 همان؛ ص: ۸۷
- 8 همان؛ ص: ۹۷، ۹۸
- 9 همان؛ ص: ۱۳۶
- 10 کار جہاں دراز ہے؛ (جلد سوم) قرۃ العین حیدر؛ ص ۲۳۴، ۲۳۵
- * * * * * شاہنامہ فردوسی، جلد چہارم؛ ترتیب: بکوشش پرویز اتاکی؛ ص ۲۳۵۸
- * * * * * کار جہاں دراز ہے؛ (جلد اول) قرۃ العین حیدر؛ ص ۸۸
- * * * * * همان؛ ص ۸۸
- * * * * * همان؛ ص ۶۴

فصل سوم

مطالعہ انتقادی "کار جہاں دراز ہے"

قرۃ العین حیدر یکی از برجستہ ترین نویسندہ معاصر ہند بشمار می آید۔ کتاب "کار جہاں دراز ہے" اثر ماندگار وی است۔ این کتاب مشتمل بر سہ جلد می باشد۔ جلد اول این کتاب بہ سال ۱۹۷۷م و جلد دوم ۱۹۷۹م و جلد سوم در سال ۲۰۰۸م انتشار یافت۔ مولف عنوان کتاب خود را از کتاب بیت بال جبریل دکتر علامہ اقبال گرفتہ است۔ دکتر علامہ اقبال در کتاب خود بنام بال جبریل این بیت زیر نوشتہ است کہ بعداً آن شعر عنوان کتاب قرۃ العین حیدر قرار گرفتہ است:

باغ بہشت سے مجھے حکم سفر دیا تھا کیوں

کار جہاں دراز ہے اب میرا انتظار کر^۱

این بیت قرۃ العین حیدر را خیلی متأثیر کردہ است کہ او برای بیان کردن سوانح حیات خود را از این بیت استفادہ کردہ است۔ کتاب "کار جہاں دراز ہے" مشتمل بر ۱۰۸۶ صفحہ می باشد۔ در جلد اول ۷۴۰م تا ۱۹۴۷م قرۃ العین حیدر خود را بصورت داستان گو تاجک نژاد، صوفی تذکرہ نگار، درباری وقایع نویس، داستان نویس اردو، روزنامہ نویس سیاسی وغیرہ ظاہر می گردد۔ جلد دوم سال های ۱۹۴۸م تا ۱۹۷۸م را در برمی گیرد و در آن قرۃ العین حیدر قصہ های خود و دوستان و وابستگان پاکستانی را می نگارد۔ جلد

سوم دورہ سال ۱۹۶۲ء تا آخر زندگی وی را پوشش می دهد و مربوط به داستان کشور ہند و دوستانش است. از لحاظ علمی و اطلاعاتی این کتاب خیلی وسیع می باشد.

قرۃ العین حیدر این کار تخلیقی را بہ برادر زادگان خود تقدیم نموده است. عینی در پیشگفتار جلد اول می نویسد:

"اکیسویں صدی زیادہ دور نہیں. یہ بچیاں اور بچے آزادی کے بعد پیدا ہونے والی اس نسل میں شامل ہیں جو کار جہاں سنبھال چکی ہے یا سنبھالنے والی ہے. ہم لوگوں نے اور ہم سے پہلے والوں نے دینا کو اپنے اپنے وقت کے لحاظ سے اور اپنی نظروں سے دیکھا تھا. یہ نئے لوگ اکیسویں صدی میں پہنچ کر تاریخی عوامل کو شاید ہم سے بہتر طور پر سمجھ سکیں."²

ترجمہ: "قرن بیست و یکم زیاد دور نیست. این اطفال بعد از آزادی ہند بہ دنیا آمدند و لی شامل نسلی شدہ اند کہ کار جہاں را نگاہ می دارند یا ادارہ خواهند کرد. ما مردمان یا مردمان قبل از ما دنیا را از نظر خود دیدہ اند. این مردم جدید بہ قرن بیست و یکم می رسند و عوامل تاریخ را بہتر از ما بفہمد."

اینطور این رمان "کار جهان دراز ہے" آغاز می شود. در این کتاب داستانهایی فراوان به عناوین مختلف دیده می شود. این داستانها یا واقعات مبنی بر زندگی شخصی و احوال خانواده مولف می باشد. این داستانها از شهر کوفه شروع می شود.

موضوعاتی که در کتاب "کار جهان دراز ہے" یافته می شود. این است که اوضاع سیاسی، مباحثات ادبی، نظام جاگیردارانه، بعد از ۱۸۵۷م اوضاع اجتماعی مسلمانان، آزادی زنان، تعلیم زنان، اثرات تجزیه هند، فرهنگ غربی، وضعیت مهاجرین، فرهنگ لکهنو و دانشگاه مسلمانان علیگر و غیره این کتاب بر مسائل جهان نیز دلالت می کند. این کتاب از جهت اهمیت موضوع غنی تر و معروف تر از دیگر کتاب های ادبیات اردو می باشد. در این کتاب یکطرف نهضت سیاسی و طرف دیگر نهضت ادبی جریان پیدا می کند. همه شخصیت ها و فعالیت های رمان "کار جهان دراز ہے" را کتابی منفرد و ممتاز می سازند. قرۃ العین حیدر در پیشنه دانشگاه علیگر تصویر سحر انگیز از پدر خود سجاد حیدر یلدرم را کشیده است. دانشگاه مسلمانان علیگر که نتیجه ژرف اندیشه سر سید احمد است و در زمینه تعلیمات مسلمانان بمنزله آکسفورد می باشد. سجاد حیدر یلدرم از این دانشگاه فارغ التحصیل گردید. او یکی از ممتاز ترین چهره های درمیان دانشجویان بود. عینی در اثر خود درباره

والد خود به تفصیل بحث می کند و افکار پدر خود را روشن می سازد و مناظر آن وقت پیش خواننده متجسم می شود. او اطلاعات فراوانی درباره جامعه، سیاسی، علمی و ادبی و غیره می رساند که از این همه واقعات و وضعیت ها شخصیت پدری بر می خیزد. این یکی از ویژگیهای بزرگ این رمان می باشد. عینی می نویسد:

"علی گڑھ کا پہلا دور ۱۸۵۷ء سے شروع ہو کر ۱۸۹۵ء میں ختم ہوا. دوسرے دور کا آخری سال ۱۹۱۵ء اور تیسرے کا ۱۹۳۵ء سمجھنا چاہیے. دوسرے دور کے طلباء میں سجاد حیدر کا مرتبہ بلحاظ علمی قابلیت بہت بلند تھا. مطالعے کا دائرہ بہت وسیع تھا. ہماری قومی زندگی میں جن نئے خیالات کو مفید سمجھتے ان کی زبردست تائید تحریر و تقریر کے ذریعے کرتے تھے..... تعلیم نسوان کے زبردست حامی تھے. کھیل کود سے کوئی تعلق نہیں رکھتے تھے. مسٹر تھیوڈر بیک کے چہیتے طلباء سب کھلاڑی تھے جن کو علمی مذاق سے کوئی سروکار نہ تھا. انگریز کی پالیسی تھی کہ علی گڑھ کے لڑکوں کو سنجیدہ علمی مذاق سے دور رکھا جائے اور کھیل کود کا شوقین بنایا جائے."³

ترجمه: "اولین دوره آغاز علیگر از ۱۸۵۷ شروع می شود و در سال ۱۸۹۵ اتمام می گردد. سال اختتام دوره دوم ۱۹۱۵ و دوره سوم ۱۹۳۵ بود. از میان دانشجویان دوره دوم از لحاظ استعداد علمی سجاد حیدر یلدرم قابل تعریف بود. دائره مطالعه وی خیلی وسیع بود. وی بتوسط نوشتار و تقریر از افکار سود مند حمایت می کرد..... او حامی تعلیم زنان بود. وی به بازی علاقه نداشت. همه دانشجویان مستر تهیودر بیک بازی گر بودند که آنان به آموزش هیچ سروکاری نداشتند. سیاست انگلیسها این بود که دانشجویان را از ذوق علمی دور داشته باشند و به سوی بازی ترغیب بدهند."

از این عبارت سه نکته به نظر می آید که اول این است که پدر قره العین حیدر روشن خیال و بیدار ذهن بود. وی همیشه سعی کرد که بتوسط استعداد نوشتار و تقریر به مخالفت رسم کهنه جامعه قیام کند. دوم این که او درباره تعلیم زنان در جامعه فعالیت می داشت زیرا که آن وقت تعلیم زنان، از میان عیوب بشمار می رفت. سوم این که مکاری و فریب انگلیسها ظاهر بود که آنها حالت تفریح و خوشگذرانی را در جامعه فراهم می کرد تا جوانان به مسائل جدی

توجہ نہ کنند۔ عینی با تصویر گری پدر خود جامعہ آن زمان را بصورت جالب منعکس می کند۔

قرۃ العین حیدر در این رمان در پیشہ شاعر و ادیب از پدر خویش تذکر دادہ است۔ نذیر احمد یکی از رمان نویسان زبان اردو معاصر پدرش بود۔ او در رمان خود جامعہ مسلمان را بیان کردہ است۔ او بذریعہ آن رمان سعی کردہ است کہ جامعہ را اصلاح کند۔ عینی در رمان اجتماعی کارہای شائستہ و قابل قدر انجام دادہ است۔ از این لحاظ اہمیت و ارزش رمان وی در ادبیات اردو قابل مطرح است۔

قرۃ العین حیدر در این رمان اہمیت و افادیت ترجمہ ذکر نمودہ است۔ او می گوید کہ ترجمہ یک ابرازی ہمی است کہ یک سوی ادبیات خلاق و سازندہ را تشکیل می دہد و سوی دیگر خواندگان او در کتاب خود می نویسند:

"تخلیقی دور ترجمے کے دور کے بعد آتا ہے۔ پہلے اپنی زبان کے خزانے ان جواہرات سے بھر لیجیے جو آپ کو آسانی سے ملتے ہیں پھر نئی کان کی تلاش میں نکلے گا۔ لیکن میں دیکھتا ہوں کہ اس پر زیادہ زور دیتے ہیں۔ سائنس اور فلسفے کے کتابوں کا زیادہ ترجمہ کیا جاتا ہے۔ بے شک ان کا ترجمہ لابدی اور ضروری ہے۔ مگر دوسری زبانوں کے

لٹریچر سے ہمیں بے خبر نہیں رہنا چاہیے۔ انسانی روح کی
تڑپ اور اس تڑپ سے جو سوز و گداز قوموں میں پیدا ہوا
ہے وہ ہمیں لٹریچر میں ہی ملتا ہے۔⁴

ترجمہ: "دورہ تخلیقی بعد از دورہ ترجمہ می آید۔
نخستین ما باید مخزن زبان خود و جواهرات آن ادب
تخلیقی را حاصل کنیم کہ ماخذ آن بہ آسانی یافتہ می
شود۔ بعداً آدم بہ کان دیگر توجہ داشتہ باشد۔ ولی من
می بینم کہ نویسندہ بہ ترجمہ زیاد توجہ می دہد۔
کتابہای کہ مربوط بہ علوم و فلسفہ می باشد، نویسندہ
زیاد این نوع کتاب ہا را ترجمہ می کند۔ بی شک
ترجمہ ہای این کتابہا لازم می باشد ولی ادبیات کہ
بزبان دیگر نوشتہ شدہ است، ما باید از آن اطلاع داشتہ
باشیم۔"

همانطور قرۃ العین حیدر در "کار جہاں دراز ہے" درباره
زبان و بیان و اہمیت تراجم و رسم الخط با تفصیل ذکر کردہ است۔
او ادبیات انگلسی را بطور مثال می آورد کہ اگر از ادبیات انگلیسی
اثرات یونانی ورم را جدا کرد۔ پس ہیچ چیز در ادبیات انگلیسی
باقی نمی ماند۔ بہ ہمین سبب ترجمہ اہمیت و ارزش زیادی دارد و

نویسنده "کار جہاں دراز ہے" در لا بہ لای کتاب خود آنها را مطرح کرده است.

قرۃ العین حیدر در کتاب خود بہ نصیحت و پند و اندرز پرداختہ است. عینی در اثر خود نصیحت اجداد را فراموش نمی کند و آنها را در کتاب خود بیان می کند و این کتاب مانند گلستان سعدی برای خوانندگان زبان و ادبیات اردو اہمیت و ارزش پیدا می کند:

(1) "اولاً اپنے مذہب، اہل سنت و الجماعت میں رہ کر روزہ، نماز، زکوٰۃ..... انجام بخیر ہوتا ہے۔"

(2) درجہ بدرجہ مرد ہوں یا عورت سب میں بڑے چھوٹے کا لحاظ.....

(3) دوسرے بھائی کی اولاد کو اسی نظر محبت سے دیکھے جیسے اپنے اولاد کو.....

(4) عورتوں کے طعن و تشنیع کو سننے یا بری بھلی باتوں پر مطلق دھیان نہ دیا جائے۔

(5) کوئی بھائی صاحب اقتال ہو اور معزز روزگار پر نوکر ہو جائے کبھی دوسرے بھائی کی جانب حقارت سے نہ دیکھے۔ برابر شفقت برادرانہ سے دیکھتا رہے.....

(6) ظلم، حسد، عداوت، فساد، خیانت، سخت کلامی،

غصه سے مجتنب و محترز رہنا۔⁵

ترجمہ:

(1) "اولاً باید از مذهب و طریقه اهل سنت

والجماعت پیروی کرد روزہ، نماز و زکوٰۃ را

باید بجا آورد.

(2) از لحاظ عمر به همه مرد یا عورت احترام

گذاشت.

(3) پسر برادر دیگر را مانند پسر خود باید نگاه

کرد.

(4) اگر یک برادر از دیگر غنی تر شد او نباید نظر

حقارت به دیگران بیاندازد بلکه از نظر محبت و

شفقت ببیند.

(5) ظلم، حسد، عداوت، فساد، خیانت، سخن سخت و

غصه از این همه باید اجتناب کرد."

آداب و رسوم خانواده عینی همیشه تعلیمات و ارزش های

اسلامی را پاس داشته است. او این نصیحت نامه را به نسل آینده می

سپارد تا آنها از این نصیحت پیروی کنند. در شخصیت عینی درد

مندی، ارزش اسلامی، عزت و احترام به بزرگاران و محبت و شفقت به اطفال و غیره موجود است. این هم وصف کتاب است که شخصیت نویسنده را صادقانه نشان می دهد.

قره العین حیدر در این کتاب از سخن های شعراء ماضی مخصوصاً رودکی سمرقندی، نظامی عروضی، سعدی شیرازی، دکتر علامه اقبال بسیار خوب استفاده نموده است. او فکر و حرف خود را بر اقوالشان استناد کرده است. این یکی از ابعاد "کار جهان دراز ہے" است. این حسن کتاب از دیگر کتابهای ادبیات اردو متمایز می شود.

گرچه "کار جهان دراز ہے" بصورت رمان نوشته شده است ولی زبانش روانی شعر را دارد. اسلوب و روش این کتاب ساده و سلیس است. در این اثر جمله های کوتاه و واژگان ساده ولی بعضی اوقات جمله های پچیده و دراز هم دیده می شود که از فصاحت و بلاغت خالی نیست. انداز بیان عینی سحر انگیز و دلکش و منطقی است.

از لحاظ تکنیک "کار جهان دراز ہے" اولین شرح حال خود بصورت رمان به زبان اردو است. در این اثر تکنیک سوانح، تکنیک زمینه سازی و نامه نگاری وجود دارد که به همین سبب این کتاب بعنوان شاهکار زبان و ادبیات اردو بشمار می رود.

منابع و مأخذ

-
- ¹ بال جبریل، دکتور علامہ اقبال لاهوری، ص ۷
 - ² کار جہاں دراز ہے؛ (جلد اول) قرۃ العین حیدر؛ ص 3
 - ³ کار جہاں دراز ہے؛ (جلد اول) قرۃ العین حیدر؛ ص 122
 - ⁴ کار جہاں دراز ہے؛ (جلد اول) قرۃ العین حیدر؛ ص 355
 - ⁵ کار جہاں دراز ہے؛ (جلد اول) قرۃ العین حیدر؛ ص 447

نتیجه گیری

قره العین حیدر یکی از معروفترین نویسندگان معاصر هند بشمار می آید. آثار او در زبان و ادبیات اردو خیلی مهمی است. اثر او به عنوان "کار جهان دراز ہے" در تحت تاثیر بیت اقبال است او دبستگی خاص به اشعار دکتر علامه اقبال داشته است زیرا که وی عنوان کتاب خود را از کتاب بیت بال جبریل دکتر علامه اقبال گرفته است. این بیت به ذیل ذکر می شود:

باغ بهشت سے مجھے حکم سفر دیا تھا کیوں

کار جهان دراز ہے اب میرا انتظار کر

قره العین حیدر در کتاب "کار جهان دراز ہے" درباره زندگی نامه خود توضیح داده است. این کتاب مشتمل بر سه جلد می باشد. در این کتاب داستانهای به عناوین مختلف دیده می شود. این داستانهای مبنی بر زندگی شخصی و خانواده مولف است. این داستانها از شهر کوفه شروع می شود. عینی کتاب "کار جهان دراز ہے" درباره موضوعات مختلف نوشته است مانند اوضاع سیاسی، آزادی زنان، فرهنگ غربی و دانشگاه مسلمانان علیگر و غیره. این

کتاب از لحاظ اهمیت موضوع غنی تر از دیگر کتابهای ادبیات اردو می باشد.

خلاصه "کار جهان دراز ہے" مبنی بر یاد داشتهای سفرهای مختلف می باشد. قرۃ العین حیدر به ایران مسافرت کرد و او در آن ضمن درباره شهر های مختلف ایران و آسیای مرکزی مانند خراسان، بخارا، مشهد، نیشاپور و غیره صحبت کرده است. او در کتاب خود درباره شعر و شاعری رود کی، فردوسی طوسی، خاقانی و غیره ذکر نموده است. او در کتاب "کار جهان دراز ہے" در باره تاریخ ادبیات ایران سلسله به سلسله و دوره به دوره توضیح داده است.

قرۃ العین حیدر بتوسط این کتاب فرهنگ مختلف فارسی را مطرح کرده است زیرا که ایران مخزن فرهنگ بوده است و غنی تر از دیگر ممالک جهان می باشد. وی سعی می کند که جشنهای و فرهنگهای کشور ایران را مورد بررسی قرار بدهد. نوروز بزرگترین و مهمترین عید ایرانیان و مردم آسیای میانه است. همه ایرانیان و مردم آسیای میانه در مراسم آن شرکت می کنند. این کتاب نماینگر فرهنگ و تمدن ایران باستان و پس از اسلام می باشد.

سرانجام، پس از مطالعه و بررسی فرهنگ هند و ایران در "کار جهان دراز ہے" می توان به این نتیجه رسید که رمان شرح

حال خود پر ارزشی و پر اطلاعاتی می باشد. قرۃ العین حیدر در طی سفر ایران و آسیای میانه و نقاط مختلف هند و فرهنگ هند و ایران در حیط بیان این کتاب آورده است و برای مطالعات روابط هند و ایران و شناخت تاریخ و تمدن هند و ایران کتاب "کار جهان دراز ہے" بسیار مهم و ناگزیر به نظر می آید.

تمت بالخیر

منابع و مآخذ

منابع اردو

بنیادی مآخذ

1. حیدر قرۃ العین
کار جہاں دراز ہے، جلد اول و دوم،
ناشر: ایجوکیشنل پبلشنگ ہاؤس، دہلی،
۲۰۰۳ م
2. حیدر قرۃ العین
کار جہاں دراز ہے، جلد سوم،
ناشر: ایجوکیشنل پبلشنگ ہاؤس، دہلی،
۲۰۰۸ م

ثانوی مآخذ

1. آزاد اسلم
قرۃ العین حیدر بحیثیت ناول نگار، ناشر:
سیمانت پرکاش، دہلی، ۱۹۹۲ م
2. انور خورشید
قرۃ العین حیدر کے ناولوں میں تاریخی
شعور، ناشر: انجمن ترقی اردو، ہند، نئی
دہلی، ۱۹۹۳ م
3. انور صبیحہ
اردو میں خود نوشت سوانح نگاری، ناشر:
نامی پریس، لکھنؤ، ۱۹۸۲ م
4. ایوب ہارون
شعور کی رو اور قرۃ العین حیدر، ناشر: اردو
پبلی شرز، لکھنؤ، ۱۹۷۸ م
5. آزاد اسلم
اردو ناول آزادی کے بعد، ناشر: سیمانت
پرکاشن، دہلی، ۱۹۹۹ م
6. اختر جمیل (مرتب)
نوائے سروش (انٹرویوز)، ناشر: انٹرنیشنل
اردو فاؤنڈیشن، دہلی
7. اختر جمیل (مرتب)
کلیات، قرۃ العین حیدر، سوم۔ ناولت، ناشر:

- قومی کونسل برائے فروغ اردو زبان، نئی
دہلی، ۲۰۰۶م
۸. حیدر قرۃ العین
آگ کا دریا، ناشر: ایجوکیشنل پبلشنگ ہاؤس،
دہلی، ۱۹۹۴م
۹. حیدر قرۃ العین
میرے بھی صنم خانے، ناشر: مکتبہ جدید،
لاہور، ۱۹۴۹م
10. حیدر قرۃ العین
ستاروں سے آگے، ناشر: خاتون کتاب گھر،
دہلی، ۱۹۴۷م
11. حسن محمد
جدید اردو ادب، ناشر: مکتبہ جامعہ لمیٹید،
دہلی، ۱۹۷۵م
12. خان مجیب احمد
قرۃ العین حیدر (ذات و صفات)، ناشر: کاک
آفسیت پرنٹرس، دہلی، ۲۰۰۵م
13. خان ممتاز احمد
آزادی کے بعد اردو ناول، ناشر: انجمن ترقی
پاکستان، کراچی، ۱۹۹۷م
14. دریا آبادی عبد الماجد
آپ بیٹی، ناشر: مکتبہ فردوس، لکھنؤ، ۱۲۷۸م
15. سلطانہ اختر
قرۃ العین حیدر تحریروں کے آئینے میں،
ناشر: مکتبہ شعر و حکمت، حیدر آباد،
۲۰۰۵م
16. سہیل عامر
قرۃ العین حیدر۔ خصوصی مطالعہ، ناشر:
پاکستان بیکن بکس، ملتان، ۲۰۰۳م
17. طفیل امجد
قرۃ العین حیدر تشخص کی تلاش میں، ناشر:
بک اینڈ لٹریری ساؤنڈ پاکستان، پاکستان،
۱۹۹۱م
18. عابدی رضی
تین ناول نگاری، ناشر: کتابی دنیا، دہلی،
۲۰۰۱م
19. عبد السلام
قرۃ العین حیدر اور ناول کا جدید فن، ناشر:
اعجاز پبلشنگ ہاؤس، نئی دہلی، ۱۹۸۳م

20. عبد المغنی قرۃ العین حیدر کا فن، ناشر: مودرن پبلشنگ
ہاؤس، دہلی، ۱۹۹۰م
21. علوی و ہاج الدین اردو خود نوشت: فن و تجزیہ، ناشر: مکتبہ
جامعہ لمیٹید، نئی دہلی، ۱۹۸۹م
22. فاخرہ ممتاز اردو میں فن سوانح نگاری کا ارتقاء (۱۹۱۷ تا
۱۹۷۵)، ناشر: پبلشنگ ہاؤس، دہلی، ۱۹۸۴م
23. فاطمہ الطاف اردو میں فن سوانح نگاری کا ارتقاء، ناشر:
اعتقاد پبلشنگ ہاؤس، دہلی، ۱۹۷۴م
2۴. کریم ارتضیٰ (مرتب) قرۃ العین حیدر۔ ایک مطالعہ، ناشر:
ایجوکیشنل پبلشنگ ہاؤس، دہلی، ۲۰۰۱م
2۵. مرزا شہنشاہ قرۃ العین حیدر کی ناول نگاری، ناشر: نصرت
پبلشر، لکھنؤ، ۱۹۸۹م
2۶. زیدی ہمایون ظفر قرۃ العین حیدر (شخصیت و فن)، ناشر: مکتبہ
جامعہ لمیٹید، نئی دہلی، ۲۰۰۷م
2۷. حیدر قرۃ العین کوه دماوند، ناشر: ایجوکیشنل پبلشنگ ہاؤس،
دہلی، ۲۰۰۰م
28. شبلی نعمانی شعر العجم، جلد اول، ناشر: دار المصنفین
اکادمی، اعظم گرہ (ہند)، ۲۰۰۴م
29. شبلی نعمانی شعر العجم، جلد سوم، ناشر: دار المصنفین
اکادمی، اعظم گرہ، ہند ۲۰۰۲م

مجله ها و نشریه های اردو

1. فکر و تحقیق . سه ماهی، جنوری - مارس، جاوید دکتر علی، ناشر: قومی کونسل برای فروغ اردو زبان، نئی دہلی، ۲۰۰۸م
2. اردو ادب . سه ماهی، جولائی - سپتامبر، خلیق انجم، ناشر: انجمن ترقی اردو، نئی دہلی، ۲۰۰۷م
3. اردو ادب . سه ماهی، اپریل - جون، خلیق انجم، ناشر: انجمن ترقی اردو، نئی دہلی، ۲۰۰۸م
4. ایوان اردو . اکتوبر، رئیس پروفیسور قمر، عابدی مرغوب حیدر، ناشر: اردو اکادمی، دہلی، ۲۰۰۷م
5. آج کل . نوامبر، اکرم خورشید، ناشر: اردو پبلیکیشن دویژن، دہلی، ۲۰۰۷م
6. نیادور . جولائی حسین وضاحت، ناشر: یونائٹید بلاک پرنٹرس، لکھنؤ، ۲۰۰۹م
7. نیادور . قرۃ العین حیدر، شماره - ۶۳، کمار سنیل، ناشر: یونائٹید بلاک پرنٹرس، لکھنؤ، ۲۰۰۹م
8. ایوان اردو . مارس، عابدی مرغوب حیدر، ناشر: اردو اکادمی، دہلی، ۲۰۱۰م
9. The Annual of Urdu Studies No: 23 . میمن محمد عمر، ناشر: وسکنسن میدیسن یونیورسٹی، ۲۰۰۸م
10. The Annual of Urdu Studies No: 24 . میمن محمد عمر، ناشر: وسکنسن میدیسن یونیورسٹی، ۲۰۰۹م
11. نقوش . خاص نمبر، قرۃ العین حیدر، شماره - ۷۸، لاہور، ۱۹۵۹م
12. نقوش . آپ بیتی نمبر، جون، جلد - ۱، لاہور، ۱۹۶۴م
13. مژگان . جولائی تا دسمبر، نوشاد مومن، شماره -

- ۹-۱۰، جلد - ۳، کولکاتا، ۲۰۰۱م
۱۴. نقش
سه ماہی، شماره - ۶۳، جلد - ۲، کراچی
۱۹۶۳م
۱۵. افکار
جولائی، اگست، کراچی، ۱۹۶۰م
۱۶. مزگاں
سه ماہی، نوشاد مومن، شماره - ۳۳ تا ۳۶،
کولکاتا، ۲۰۰۹-۲۰۱۰
۱۷. نقوش
افسانہ نمبر، قرۃ العین حیدر، ستمبر - اکتوبر،
لاہور، ۱۹۵۲م
۱۸. مقالات و روداد سمینار
قرۃ العین حیدر، شخصیت اور فکر و فن،
اگست، ناشر: خدابخش اورینٹل پبلک
لائبریری، پتنہ، ۲۰۰۸م

منابع فارسی

1. معین دکتر محمد
فرهنگ فارسی معین، ناشر: انتشارات
فرهنگ نما، تهران، ۱۳۸۷ هـ
2. تیغ دکتر مریم خلیلی جهان
و کمار دکتر راجندر
داستان نویسی معاصر هند، ناشر: بخش
فارسی دانشگاه دهلی، دهلی، ۲۰۰۵ م
3. براون ادوارد
تاریخ ادبیات ایران، ترجمه فارسی: فتح الله
مجتبائی ناشر: انتشارات مزوارید، تهران،
۱۳۶۷ هـ
4. شبلی نعمانی
شعر العجم، ترجمه فارسی، سید محمد تقی
فخر داعی گیلانی، جلد اول، ناشر: دنیائی
کتاب، تهران، ۱۳۶۳ هـ
5. شبلی نعمانی
شعر العجم، ترجمه فارسی: سید محمد تقی
فخر داعی گیلانی، جلد سوم، ناشر: دنیائی
کتاب، تهران، ۱۳۶۳ هـ
6. شفق دکتر رضا زاده
تاریخ ادبیات ایران، ناشر: وزارت فرهنگ،
تهران، ۱۳۲۱ هـ
7. صفا دکتر ذبیح الله
مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر
پارسی، ناشر: دانشگاه تهران، تهران،
۱۳۳۸ هـ
8. صفا دکتر ذبیح الله
تاریخ ادبیات در ایران، جلد اول، ناشر:
دانشگاه تهران، ۱۳۵۲ هـ

منابع انگلیسی

1.	Browne E. G.	A Literary History of Persia Vol-I & II, Published by Goodword Book, New Delhi, 110013, Year 2008
2.	Rypka Jan	History of Iranian Literature, Reidal publishing Company, 1968
3.	Balch Marton	Modern Short Auto-biographies and Biographies, New York: Harcourt Press and World, 1940
4.	Pascal Roy	Design and Truth in Auto-biography, Cambridge: Havard University Press, 1960
5.	Haider Qurratul Ain	Translated, River of Fire, New Direction Publication, 2003

Depiction of Persian culture in kar-e-jahan daraz hai

(Inekas i Farhang i Farsi dar Kar-e-Jahan Daraz Hai)

DISSERTATION

**Submitted to the Jawaharlal Nehru University in Partial Fulfilment of the
requirements for the award of the Degree of**

MASTER OF PHILOSOPHY

Submitted by

Md. Tarique Rasool

Under the Supervision of

Dr. Syed Akhtar Husain



**Centre for Persian and Central Asian Studies
School of Language, Literature & Culture Studies**

Jawaharlal Nehru University

New Delhi-110067

2011